

## مقاله علمی

# سنگ‌نبشته سرکول الیگودرز، یادمانی از ساخت

## ایل‌راه بختیاری در عهد صفوی

حیات‌اله سرلک<sup>۱</sup>، عطا حسن‌پور<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱ تاریخ تایید: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸

### چکیده

از اوایل حکومت اتابکان لر، ایل بختیاری که در بخشی از قلمرو حکومتی لر بزرگ سکنی داشته، همواره به صورت کوچ‌نشینی زندگی می‌کردند و با احداث جاده و پل در مسیرهای کوهستانی و صعب‌العبور، ایل‌راه‌هایی می‌ساختند تا قلمرو سردسیری آنها را به قلمرو گرمسیری متصل کند. ایل‌راه چهارلنگ، از بزرگترین این راه‌هاست. صعب‌العبورترین مسیر این ایل‌راه از سرکول واقع در میانکوه الیگودرز شروع و پس از عبور از پل کول واقع بر رودخانه بزرگ بختیاری، به کوه سالد ختم می‌شود. بررسی‌های میدانی نویسندگان نشان داد آثاری از یک جاده قدیمی در حد فاصل سرکول تا پل کول وجود دارد که در تمام نواحی صعب‌العبور این مسیر با تراشیدن سنگ، به ساخت یک جاده سنگ‌فرش با سنگ و ملات ساروج و چندین دهانه پل اقدام کرده‌اند. در آغاز این جاده از سمت الیگودرز، یک سنگ‌نبشته بر تخته‌سنگ بزرگی نقش بسته که نویسندگان برای اولین بار با دقت به بازخوانی آن پرداختند. این سنگ‌نبشته حکایت از آن دارد که ساخت این جاده توسط یوسف‌خان بختیاری یکی از حاکمان محلی ایل بختیاری در سال ۱۰۹۱ هجری قمری به اتمام رسیده است. در آغاز این جاده در سرکول نیز آثاری از یک قلعه تاریخی بزرگ و حصار و باروهای آن وجود دارد که به قلعه خلیل‌خان معروف است. در این نوشتار به معرفی این سنگ‌نبشته و ابنیه‌های ساخته شده در این مسیر و ارتباط آن با سلسله حاکمان بختیاری عهد صفوی پرداخته می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** سنگ‌نبشته، سرکول، ایل‌راه بختیاری، یوسف‌خان، دوره صفویه

۱ دکتری سازه‌های آبی، شرکت آب منطقه‌ای لرستان، لرستان، ایران (نویسنده مسئول).

sarlak.hayat@yahoo.com

۲ دکتری باستان‌شناسی، اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی لرستان، لرستان، ایران.

## مقدمه

کتیبه یا سنگ‌نبشته در اصطلاح به نوشته یا نقوشی گفته می‌شود که بر سنگ‌ها و مصالح دیگر از جمله آجر، چوب، کاشی و گچ حک شده باشد. اما به لحاظ تاریخی از آن زمان که بر دل کوه‌ها و لوح‌های سنگی نقشی به یادگار مانده، کتیبه رقم زده شده است (فضائلی، ۱۳۸۲: ۱۳۰). در برخی از مناطق سرزمین ایران باستان تحت قلمرو حکومتی امپراتوری هخامنشی تا ساسانی کتیبه‌هایی یافت شده که به صورت یادمانی و با اهداف خاص نقر گردیده‌اند. در کاخ داریوش [تخت جمشید] کتیبه‌های متعددی از قبل از اسلام باقی مانده که بیانگر سیر تاریخی احداث این کاخ در دوره‌های مختلف است (مخلصی، ۱۳۸۴: ۳۱). دو کتیبه از زمان شاپور دوم (که از سال ۳۰۹ تا ۳۷۹ سلطنت کرد)، بر نمای جنوبی سمت چپ درگاه، بین ایوان و تالار [کاخ داریوش] نقر شده است (مخلصی، ۱۳۸۴: ۳۶).

سنگ‌نبشته‌ها از قابل اعتمادترین اسناد تاریخی هستند. در مطالعات باستان‌شناسی و تاریخی علم کتیبه‌شناسی همواره دروازه‌های کشفیات جدید را می‌گشاید و به سنگ یادبود یکی از انواع کتیبه‌ها بر ستون ایوان‌ها، ازاره‌های سنگی دیوارها یا به صورت لوح‌های مربع یا مستطیل بر سردر ورودی یا ایوان ابنیه نصب می‌شدند و عموماً فاقد نقش تزئینی هستند. مطالب این کتیبه‌ها شامل سازنده و تاریخ ساخت، اشعار فارسی یا عربی و شرح وقایع تاریخی است (دانش یزدی، ۱۳۸۷).

کتیبه‌نویسی در اصطلاح خوشنویسی از نخستین سده‌های دوره اسلامی رایج شد. در اوایل ایران دوره اسلامی، همانند سایر کشورها، زبان عربی زبان پایه برای نگارش متون منشور و مذهبی در ابنیه و اشیاء بوده است. در صدر اسلام این نوشتارها معمولاً با خطی زاویه‌دار که به خط کوفی مشهور است، نگارش می‌شده‌اند. از قرن ۶ هجری قمری / ۱۲ میلادی، کتیبه‌نگاری به زبان فارسی به خصوص جهت نگارش متون ادبی و منظوم، رایج‌تر و خطوط منحنی جایگزین خطوط زاویه‌دار شد (کاردار طهران، ۱۳۹۵). متن کتیبه‌های ابنیه تاریخی [در دوران اسلامی] به فراخور موضوع، غالباً شامل نام‌های مبارک حق تعالی، آیات و سوره‌های قرآن، دعاها، اشعار فارسی و عربی، مناجات، نام سفارش‌دهنده، نام بانی بنا، نام کاتب و تاریخ ساخت اثر می‌گردد (قاسمی اندرود، ۱۳۸۷). انواع مختلف خطوط شامل کوفی، نسخ، ثلث،

طغرا، ریحان، محقق، نستعلیق، و جز آن در کتیبه‌نگاری‌های اسلامی از صدر اسلام تاکنون مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از میان خطوط یادشده، خط ثلث به سبب دور و تموج آن و نیز به جهت حرکات نرم قلم، درشتی و برجستگی حروف، و قابلیت تزیین و ایجاد نقش و نگار در کتیبه‌نویسی بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. مضمون کتیبه‌ها در بناهای ایران شامل آیات قرآن، احادیث، شعر، ماده تاریخ، تاریخ بناها یا نام بنیان‌گذاران، و مواردی جز آن است. کتیبه‌نگاری خطوط گوناگون از جمله کوفی و ثلث و نستعلیق در بناها و مساجد ایران از زمان تیموریان و صفویان در اصفهان و خراسان و نواحی دیگر رونق داشته است. امروزه هم طراحی این خطوط بین کاشی‌کاران و خطاطان متداول است.

خطوط کتیبه‌ها و یادگاری‌های دوران اسلامی تخت جمشید همگی به زبان عربی و فارسی نوشته شده است. خطوط کتیبه‌ها از قرن چهارم تا قرن هفتم هجری به جز دو کتیبه عضدالدوله و فرزندش بهاء‌الدوله که به کوفی است، مابقی به خط نسخ است. کتیبه‌های قرن هشتم تا دهم نیز به خط نسخ است. از قرن دهم شاهد یادگاری‌هایی به خط نسخ، شکسته نستعلیق و ثلث و یک کتیبه به خط مسلسل هستیم. کتیبه‌های قرن یازدهم تخت جمشید اکثراً به خط نستعلیق و شکسته نستعلیق است. بنیان این کتیبه‌ها اکثراً علما و عرفا، پادشاهان، شاهزادگان امرا و هنرمندان و خطاطان بودند (مخلصی، ۱۳۸۴).

شاهان صفوی در دوران حکمرانی، فرمان‌های بسیاری صادر کردند، اما در برخی از این فرمان‌ها با تأکید بر نقر نمودن بر سنگ و برای اطلاع عموم، دستور نصب آن در مکانی به اقتضای موضوع فرمان، صادر می‌شد. تعداد زیادی از این فرمان‌ها درباره موضوعات اقتصادی است که در اکثر نواحی ایران به فرمان شاه طهماسب اول و شاه عباس اول بر سردر مکان‌های پررفت و آمد که در انظار عموم باشد، نصب گردیدند (فرامرزی و همکاران، ۱۳۹۹).

نمونه‌های زیادی از این کتیبه‌ها در محدوده عراق عجم و قلمرو اتابکان لر بزرگ وجود دارد. سنگ‌نبشته فرمان معافیت مالیاتی انجدان از توابع دارالمومنین قم، شاه عباس اول صفوی به امیر خلیل‌الله انجدانی به سال ۱۰۳۶ هـ.ق.، سنگ‌نبشته متن وقف‌نامه امامزاده واقع در جربادقان به سال ۱۰۵۷ هـ.ق. در زمان شاه عباس دوم صفوی به در مسجد جامع گلپایگان و سنگ‌نبشته گردنه رُخ مسیر راه باستانی اصفهان به خوزستان در سال ۱۰۶۲ هـ.ق. به هنگام عبور شاه عباس صفوی، از جمله این کتیبه‌هاست.

حاکمان بختیاری نیز با پیروی از سبک شاهان صفوی، شرح اقدامات خود به ویژه ساخت ابنیه‌ها را بر روی سنگ حک می‌کردند که چند نمونه از آن را می‌توان بیان کرد:

۱- سنگ‌نبشته بنه وار به سال ۹۷۷ هـ.ق. از جهانگیر سلطان ابن امیرتاجمیر بختیاری  
۲- سنگ‌نبشته میل دروازه میدان چوگان خلیل‌آباد به سال ۱۱۱۶ هـ.ق. از یحیی‌خان بن یوسف‌خان بختیاری.

۳- سنگ‌نبشته ایل‌راه سرکول میانکوه بختیاری، به سال ۱۰۹۱ هـ.ق. از یوسف‌خان بختیاری.  
کتیبه بنه‌وار یکی از معدود سنگ‌نبشته‌هایی است که بازگوکننده تاریخ محلی بختیاری در دوره صفوی است. دو زمامدار ذکر شده در این کتیبه «امیرتاج میربختیاری» و «جهانگیر سلطان»، نقش سیاسی بسیار مهمی در ارتباط و انسجام قوم بختیاری با حکومت مرکزی در دوره صفوی ایفا می‌کرده‌اند (زلقی، ۱۳۹۸).

با انجام تحقیقات میدانی باستان‌شناختی مشخص شد که میل‌های سنگی<sup>۱</sup> کشف‌شده در خلیل‌آباد مربوط به دروازه‌های میدان چوگان است که در دوره صفویه توسط خلیل‌خان حاکم لر بختیاری و نوه‌اش یحیی‌خان به همراه عمارتی اعیانی و شهری به نام خلیل‌آباد ساخته شده است (حسن‌پور و سرلک، ۱۴۰۰).

سرکول در مسیر ایل‌راه بزرگ چهارلنگ در میانکوه بختیاری واقع در منتهی‌الیه جنوبی بخش ززمه‌رو شهرستان الیگودرز واقع شده است (تصویر ۱). تحقیقات میدانی نویسندگان نشان داد که آثار یک قلعه قدیمی با حصار و باروهای اطراف آن در مسیر این ایل‌راه در موقعیت شمالی تلاقی چند رودخانه سرخاب و محک وجود دارد. آثاری از احداث یک جاده سنگ و ساروج در سواحل یک دره بزرگ به طول حدود ۱۶ کیلومتر از سرکول به سمت پلی قدیمی بر روی رودخانه بختیاری دیده می‌شود که اهالی به آن «پُل کُول» می‌گویند که نشان می‌دهد این جاده در روزگاران دیرین به منظور تسهیل در عبور ایلات بختیاری ساخته شده است. برای عبور از رودخانه سرکول نیز چندین دهانه پل ساخته شده است. در آغاز این جاده یک سنگ‌نبشته بر تخته سنگی بزرگ نقش بسته است. نگارندگان با دقت به بازخوانی این

---

۱ میل‌های سنگی همان چهارپایه دروازه‌های میدان چوگان است که در عهد صفوی بیشتر به صورت میل‌گرد و با مصالح سنگی تراشیده می‌شدند که نمونه‌های آن در میدان نقش جهان اصفهان همچنان وجود دارد.

سنگ نبشته اقدام کردند. متن سنگ نبشته از اتمام ساخت این جاده توسط شخصی به نام یوسف خان در سال ۱۰۹۱ هـ.ق. حکایت دارد. تحقیقات کتابخانه‌ای از منابع تاریخی نشان داد که یوسف خان فرزند خلیل خان بختیاری حاکم عصر صفوی است که پس از پدر به حکومت بختیاری رسیده و در زمان ایشان، مراحل ساخت این جاده و ابنیه‌های آن به پایان رسیده است. این سنگ نبشته می‌تواند به بازسازی بخشی از تاریخ دوره صفویه و تاریخ محلی ایل بختیاری از زمان شاه عباس صفوی تا شاه سلیمان کمک کند.



تصویر (۱): جانمایی سرکول، پل کول و قلاع خلیل خان در مسیر ایل راه بزرگ چهارلنگ در میانکوه بختیاری (Google Earth)

### چگونگی شکل‌گیری ایل بختیاری از اقوام لر بزرگ

در خصوص چگونگی شکل‌گیری ایل بختیاری و اطلاق نام بختیاری بر اتحادیه تعدادی از طوایف ۲۶ گانه شرح داده شده در کتاب «تاریخ گزیده» نوشته حمدالله مستوفی (۱۳۳۹): ۵۴۰-۵۴۱) و سایر طوایف ساکن قبلی سرزمین‌های لر بزرگ، نظریه‌ها متفاوت است. لیکن می‌توان گفت طوایف فوق در حدود اواسط قرن ۶ به قلمرو لر بزرگ آمدند و با ساکنان بومی لرستان به مدت حدود ۳ قرن تحت لوای حکومت سلسله فضلویه اتابکان لر بزرگ در قلمرو حکومتی آنها مستقر بودند تا زمانی که در سال ۸۲۷ هـ.ق. حکومت آخرین اتابک به دستور ابراهیم بن شاهرخ بن تیمور گورکانی برچیده شد. پس از آن به مدت بیش از یک قرن اطلاعات دقیقی از حاکمان سرزمین پهناور لر بزرگ در منابع موجود در دسترس نیست

تا اینکه در حدود سال ۱۰۰۵ هـ.ق. طبق گزارش شرف‌خان بدلیسی در کتاب «تاریخ مفصل کردستان» در زمان شاه طهماسب صفوی حکومت (اتحادیه یا کنفدراسیون) متشکل از بخشی از طوایف محدوده لر بزرگ تشکیل می‌شود. اولین شخصی که به سرداری این اتحادیه می‌رسد تاج امیر آسترکی است. لیکن به دلیل ناتوانی یا نافرمانی در جمع‌آوری مالیات سالیانه، در همان سال اول حکومت خود به دستور شاه طهماسب کشته می‌شود. شرفنامه بدلیسی علت انتخاب تاج امیر آسترکی را زیاد بودن (عمده بودن) جمعیت طایفه آسترکی می‌داند. پس از کشته شدن او به دستور شاه طهماسب، فرد دیگری به نام میر جهانگیر بختیاری برای حکومت بر آن محدوده از قلمرو لر بزرگ که بعدها به بختیاری مشهور می‌شود، انتخاب می‌گردد. از شرح طوایف گزارش شده در منابع «تاریخ گزیده» و «منتخب‌التواریخ معینی» و «شرفنامه» می‌توان به سادگی دریافت که میرجهانگیر از یکی از طوایف ۲۶گانه به نام طایفه بختیاری بوده است. همچنین از آنجایی که کتاب شرفنامه در سال ۱۰۰۵ هـ.ق. نوشته شده که در آن زمان از شروع اتحادیه بختیاری و حکومت میرجهانگیر (سال ۹۷۴ هـ.ق.)، حدود ۱۹ سال گذشته و به دلیل موفقیت او در وصول مالیات مدنظر شاه صفوی و استمرار حکومت او می‌توان پذیرفت که نام طایفه ایشان (میرجهانگیر) بر اتحادیه تسری یافته و از آنجا که پس از ایشان نیز حاکمان آن محدوده طبق منابع تاریخی، لقب بختیاری داشته‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که علت انتخاب نام «بختیاری» بر اتحادیه متشکل از طوایف آن محدوده، انتخاب حاکمان اتحادیه از میرجهانگیر به بعد، از طایفه‌ای به نام بختیاری بوده است. البته ممکن است طایفه بختیاری شرح داده شده در کتاب تاریخ گزیده نیز از اواسط قرن پنجم تا اواخر قرن دهم که بیش از ۴ قرن است، دچار تغییراتی شده باشد و طوایف دیگری از طوایف ۲۶گانه و سایر طوایف ایرانی بومی ساکن در قلمرو لر بزرگ در آن ادغام شده باشند و به حدی قدرت گرفته باشند که در عهد صفوی توانسته‌اند حاکمیت بر سایر طوایف آن محدوده را به نام خود کنند.

### ایل‌راه‌های بختیاری

مسیر کوچ را در اصطلاح امروزی عشایر «ایل‌راه» می‌نامند. واژه ترکیبی ایل‌راه، نیم ترکی و نیم فارسی است. ولی قبل از متداول شدن این واژه در ایران «کوچ‌راه» به کار می‌رفت. چون واژه

عشایر را در پهنه ایران کهن قبل از مغول «کوچی» می‌گفتند و هنوز اصطلاح کوچ‌راه (کوچ‌ره) در طایفه آئینه‌وند لرستان مصطلح و متداول است. ایل راه مسیری است که قلمرو سردسیری را به قلمرو گرمسیری مرتبط می‌کند، اگرچه امروزه ایل راه‌ها دارای جاده مشخص هستند، ولی در گذشته اصولاً در قسمت‌هایی از این راه جاده‌ای وجود نداشت و کوچندگان با شناختی که از مناطق داشتند از آنها عبور می‌کردند. بختیاری‌ها دارای چند ایل راه اصلی مشهور به نام‌های ایل راه چهارلنگ، دزپارت، بازفت، تاراز، هزارچشمه، کوه سفید (کُه اسپید) و فاله هستند (صفی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۹۷) (تصویر ۲).

ایل راه چهارلنگ‌ها به طول ۴۴۴ کیلومتر که کوچندگان مسیر آن را در مدت ۲۷ تا ۴۰ روز می‌پیمایند، صعب‌العبورترین ایل راه‌های مالرو بختیاری محسوب می‌شود. آغاز آن از قریه گل خونی دهستان چناروند منطقه فریدن در داران آغاز و انتهای آن به سردشت دزفول منتهی می‌شود (همان، ۱۹۹).



تصویر (۲): مسیر ایل راه‌های بختیاری (صفی‌نژاد، ۱۳۹۷)

تحقیقات میدانی نشان داد که در مسیر ایل راه چهارلنگ یک ایل راه فرعی دیگر در مسیر بزنوید به مودو و آرپناه از قدیم‌الایام وجود داشته که در مسیر عبور از رودخانه بختیاری یک

پل بزرگ به نام «پل شیرک» وجود داشته که در غائله جنگ بختیاریان به سرکردگی علیمراد قائد ممیوند با نادرشاه در سال ۱۱۴۹ هـ.ق. تخریب شده است (ارائه طرح بازسازی پل تاریخی شیرک، سرلک، ۱۴۰۲).

### پیشینه ساخت ایل‌راه‌های بختیاری

نویسندگان آغاز اسلام، تمام سرزمین بختیاری را جزو بلاد گُرد می‌خوانند، زیرا در آن زمان به طور کلی کوچ‌نشینان این منطقه را گرد می‌نامیدند. ابن حوقل در کتاب «صورة الارض» در قرن چهارم، لرها را گرد قلمداد می‌کند و می‌نویسد: «اکراد فارس بیش از پانصد هزار خانواده‌اند و هر طایفه کمابیش هزار سوار دارد. این طوایف جز گروه اندکی که در نواحی سردسیر سکونت دارند، در زمستان و تابستان به چراگاه‌ها و قشلاق‌ها و بیلاق‌ها می‌روند، اما مردم نواحی گرمسیر ثابت می‌مانند و منتقل نمی‌شوند و فقط در نواحی خودشان رفت و آمد می‌کنند. علیقلی خان سردار اسعد در کتاب «تاریخ بختیاری» می‌نویسد: «یکی از مورخین گوید از عهد سیروس کبیر تا زمان داریوش هیتاسب مردم ایران علی‌الظاهر جنساً سخت و جز کوه‌گردی کاری نمی‌کرده یحتمل شباهتی با اکراد و الوار حالیه داشتند و در همان سلسله کوهی که در مرکز مملکت است به سر می‌برده و خوش‌قیافه به نظر می‌آمده‌اند» (۱۳۷۶: ۵۰).

در کتاب «تاریخ گزیده» بدون بیان نام و مسیر ایل‌راه‌های طوایف لر بزرگ در زمان اتابکان لر بزرگ در قرن پنجم فقط درباره زندگی کوچ‌نشینی آنها در مناطق قشلاق ایزج (ایده) و سوسن در خوزستان و بیلاق در جوی سرد بازفت و زرده (زردکوه) مطالبی بیان شده است. «ابن بطوطه» در قرن هشتم ضمن بازدید از منطقه بختیاری درباره ایل‌راه اتابکی دزپارت سخن گفته و آن را پنهانی‌ترین جاده کوه‌های پارس دانسته و ضمن اظهار به رونق این راه باستانی گفته است: «به دستور اتابک در منازل مختلف، کاروانسراهایی ساخته شده بود که مدرسه نام داشتند».

جاده ایل‌راه از سردشت دزفول تا الیگودرز از مناطق کوهستانی و سخت‌گذر «کوه سالن»، «پل‌کول»، «کول‌چنگر»، «سرکول» و «رز و ماهرو» عبور می‌کند. در طول این مسیر که به «آسون خلیل‌خان» معروف است، چندین پل، قلعه، آسیاب و راه سنگفرش وجود دارد (حسن‌پور و میرزایی، ۱۳۹۸). ساخت این ایل‌راه باستانی که بیش از یکصد کیلومتر طول دارد، در زمان خود کار بس شگرفی بوده که با همت خلیل‌خان آغاز شده و طبق سنگ‌نبشته‌ای که جدیداً توسط نگارندگان



در منطقه زز و ماهرو از توابع شهرستان الیگودرز کشف و معرفی شده، توسط یوسف خان فرزند خلیل خان در سال ۱۰۹۱ هـ.ق. به پایان رسیده است (حسن پور و سرلک، ۱۴۰۰).

در کتاب «تاریخ جهانگشای نادری» در شرح واقعه جنگ سپاه بختیاریان به سرکردگی علیمرادخان قائد ممیوند در سال ۱۱۴۹ هـ.ق. درباره عبور از پل بر روی رودخانه بزرگ بختیاری صحبت شده است که در آن حادثه این پل که همان «پل شیرک» است، در مسیر ایل راه فرعی چهارلنگ قرار گرفته بود. سایر سیاحان خارجی نیز مانند «بارون دوبد» در کتاب «سفرنامه لرستان و خوزستان» که در زمان قاجار از قلمرو بختیاری بازدید کرده‌اند، از وجود این ایل راه‌ها مانند جاده اتابکان سخن گفته‌اند.

### معرفی حاکمان بختیاری عهد شاه عباس اول تا پایان صفوی و قلمرو حاکمیتی آنها

در کتاب تاریخ عالم‌آرای عباسی در ضمیمه‌ای درباره اسامی ارباب مناصب، نام جهانگیرخان بیان شده است. در آنجا آمده است: خلیل خان ولد جهانگیرخان که حاکم لر بختیاری است (ترکمان، ۱۳۹۰: ۱۳۲۲). به نظر می‌رسد جهانگیرخان بختیاری در بازه زمانی میان ۱۰۲۶ تا ۱۰۳۱ هـ.ق. نفوذ و قدرت زیادی در بختیاری داشته و نام او بارها در منابع ذکر شده است. پس از این تاریخ بود که پسر دیگرش یعنی خلیل خان زمامداری بختیاری را بر عهده گرفته است. احتمالاً جهانگیرخان بختیاری در بین سال‌های ۱۰۳۱ تا ۱۰۳۷ هـ.ق. فوت شده و در پایان سلطنت شاه‌عباس یکم، پسرش یعنی خلیل خان منصب حاکمی بختیاری‌ها را بر عهده گرفته است. به نظر می‌رسد خلیل خان تا دوره پادشاهی شاه‌عباس دوم زمامدار مناطق بختیاری بوده است (ذلقی، ۱۳۹۸: ۳۳۴). در سال ۱۰۵۲ هـ.ق. دیگر سران بختیاری و مردم بختیاری علیه خلیل خان شورش می‌کنند و همه اموال و اسباب او را به تاراج برده و خلیل خان به سمت خوانسار و جرفادقان [گلپایگان] فرار می‌کند. وقتی قلندر سلطان حاکم سمیرم از این خبر مطلع شد، سخت آزرده شد و با ۱۲ هزار نفر به سمت منطقه بختیاری حرکت کرد تا آنها را سرکوب کند. سرانجام با کوشش قلندر سلطان و نفوذ او، سران و مردم بختیاری حاضر به آشتی با خلیل خان شده و این غائله بدون جنگ و خونریزی تمام شد (حسین منشی، ۱۳۵۸: ۴۳۲). همچنین خلیل خان در سال ۱۰۵۴ هـ.ق. به خاطر سرکشی‌هایی که او در مقابل دربار شاه‌عباس دوم داشته است، به دستور شاه عزل شد (وحید قزوینی، ۱۳۳۹: ۶۰-۶۱). البته در سال ۱۰۶۷

هق. به خاطر پذیرایی شاهانه‌ای که خلیل‌خان از شاه عباس دوم کرد، بار دیگر مورد لطف و عنایت شاه قرار گرفت و شاه‌عباس مجدداً حکومت بختیاری و ولایت خوانسار را به وی واگذار کرد (همان، ۲۰۸). خلیل‌خان لر، حاکم دانا و قدرتمند خوانسار و گلپایگان به دستور شاه صفوی یهودیان این دو شهر را مسلمان کرد (لطف کاشانی، ۱۴۰۰: ۱۹۷). طبق بررسی‌های باستان‌شناسی، آثار و ابنیه متعددی در سرزمین بختیاری منتسب به خلیل‌خان وجود دارد.

بیلاق خلیل‌خان در خلیل‌آباد الیگودرز و قشلاق او در «قلعه کهنه» سردشت و «بنه‌وار» لالی در خوزستان بوده است. علاقه خلیل‌خان به بازی چوگان سبب شده است که در هر دو اقامتگاه زمستانی و تابستانی علاوه بر ساخت عمارتی اعیانی، میدان چوگانی نیز بنا کند تا هنگام تفرج به این بازی بپردازد. در دو مقر یادشده در شمال خوزستان آثار کمی از ابنیه و بقایای عمارت او بر جا مانده و عناصر میدان چوگان آن یعنی میل‌های سنگی دروازه چوگان نیز از بین رفته‌اند، اما در خلیل‌آباد الیگودرز لرستان عکس این قضیه اتفاق افتاده است، به شکلی که هر چهار میل سنگی دروازه چوگان در محل موجود هستند و قطعات زیادی از سنگ‌های تراشیده عمارت خلیل‌خان بر جای مانده است و مابقی تخریب گردیده‌اند.

اسکندرخان عکاشه (ضیغم‌الدوله بختیاری) در کتاب «تاریخ ایل بختیاری» ضمن بیان وقایع و اتفاقاتی که در حین بازی چوگان در میدان بنه‌وار رخ داده می‌گوید: «در سالی که واقعه دز شاهی واقع شد، این فانی نیز هنگام رجعت از راه بنه وار عبور کردم و یورت و عمارت اسدالله‌خان را به فانی نشان دادند. اصطبل به همان آبادانی قبل بود ولی عمارت به کلی خراب شده است و در آن حوالی میدان گوبازی داشته‌اند که رؤسا و سواران همه وقت مشغول سواری و گوبازی بودند و دو میل سنگی حجاری شده در دو طرف میدان نصب کرده‌اند. در عهد خلیل‌خان و بعد از آن آنجا را میدان گوبازی قرار داده‌اند» (عکاشه، ۱۳۷۵: ۳۷).

سردار ظفر (خسروخان) در کتاب خاطرات خود نقل می‌کند: «بنه وار به زبان بختیاری دهکده را گویند ده کوچک، حکومت بختیاری فصل بهار می‌رفت آنجا، بختیاری‌ها هم چند روزی حسب الامر حکمران آنجا می‌رفتند و چوگان بازی و اسب‌دوانی می‌کردند. اکنون هم آثار او بر جاست و میدانی که اسب‌دوانی می‌کردند پیدا است» (حسینقلی بختیاری، ۱۳۶۳: ۶۳). طبق منابع تاریخی مانند «تذکره شوشتر» و «رحله المکیه» پس از خلیل‌خان، فرزندش یوسف‌خان حاکم بختیاری شده است. پس از یوسف خان فرزندانش محمدعلی‌خان،

یحیی خان و محمدحسین خان به ترتیب در مقاطعی از تاریخ حاکم بختیاری شده‌اند که دوران حکومتی یحیی خان باثبات‌تر و طولانی‌تر از بقیه برادران بوده و آثاری از ایشان بجا مانده است. در کتاب «تذکره شوشتر» درباره یحیی خان که ظاهراً بعد از پدر حاکم بخشی از بختیاری می‌شود، نوشته شده است: «در جنگ بین بختیاری‌ها و اعراب، بختیاریان شکست خوردند سال [۱۱۲۴ هـ.ق.] و رستم بیک مقتول شد و اسفندیار بیک ولد او خلیفه شد و یحیی خان ابن یوسف خان حاکم بختیاری او را خدمت نمود و حکومت شوشتر به یحیی خان داده شد و میرزامحمدحسین نایب او شد و مدت او سه ماه بود [۱۱۲۹ هـ.ق.]» (الحسینی الشوشتری، ۱۳۶۹: ۶۹). حسن آسترکی در کانال تلگرامی جستارهای بختیاری پژوهی از یک منبع عصر قاجار نقل می‌کند: «قبر یحیی خان بختیاری در حرم رضوی دفن است. یحیی خان یک دوره از فرماندهان ایران بوده و در بازپس‌گیری بصره از عثمانی به همراه برادرانش قاسم خان و محمدعلی خان و محمدحسین خان شرکت داشته و رشادت‌ها از خود نشان داده و همچنین خدمات شایسته‌ای را در شکل‌گیری اولین نظم نوین و سازمان‌یافته در بختیاری پس از فروپاشی سلسله اتابکان ارائه داده است. در شهر بزرگ خلیل‌آباد که تا سال‌ها از بزرگترین خدمات عصر صفوی محسوب می‌شد، آثاری از یحیی خان بر جای مانده است. به واقع می‌توان از وی و پدر بزرگش خلیل خان به عنوان آغازگر عرصه نوین بختیاری با تغییر در سبک زندگی ایشان نام برد».

### معرفی سنگ‌نبشته سرکول و ابنیه‌های ایل راه میانکوه

در لرستان در دل کوهستان زاگرس مشهور به میانکوه در منطقه‌ای به نام «سرکول» در کنار رودخانه خروشان و عریض و پرآب سرکول آثار یک قلعه با حصارهای سنگی و برج و باروهای آن دیده می‌شود. موقعیت این قلعه در مختصات طول جغرافیایی  $x=32/9551147$  و عرض جغرافیایی  $x=49/0434650$  واقع شده است (تصویر ۳). این قلعه از قسمت شمالی به کوهی صعب‌العبور محدود می‌شود و در سه ضلع دیگر آن آثار دیواری به عرض ۲-۱/۵ متر با سنگ و گل ساخته شده و در زوایای این حصار نیز آثار برج و باروها به شکل استوانه وجود دارد (تصویر ۴ و ۵). در محوطه این قلعه آثار پی یک عمارت و حوض و نهر همچنان وجود دارد. در ضلع غربی نیز آثاری از یک نهر انتقال آب رودخانه ضلع غربی به محدوده قلعه و ابنیه یک آسیاب آبی وجود دارد (تصویر ۶). در خارج از حصار قلعه در پایین‌دست و در کنار

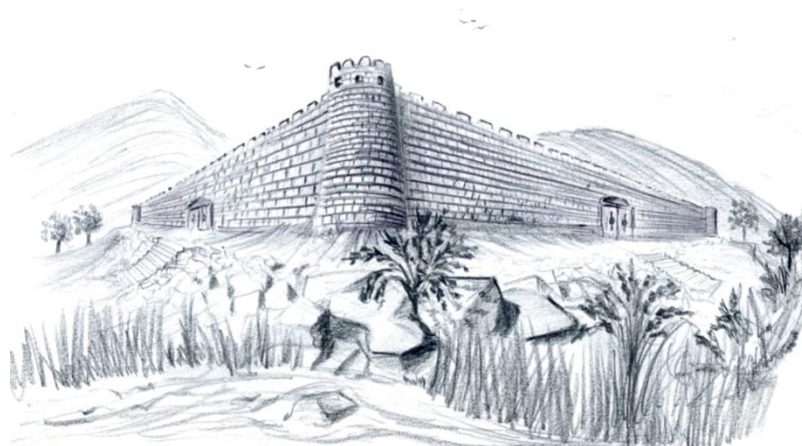
رودخانه نیز آثاری از محل روستا وجود دارد. قبرستانی قدیمی هم در جنوب غربی این محوطه همچنان وجود دارد. ساکنان و عشایر منطقه این قلعه را به نام «قلعه خلیل‌خان» می‌شناسند و با شرح داستان‌هایی از خلیل‌خان بختیاری از حضور او و نسل ایشان در آن مناطق می‌گویند. عشایر منطقه از پیشینان نقل می‌کنند که حین عبور از این ایل‌راه و در کنار این قلعه به ازای عبور هر چند رأس دام، یک رأس آن توسط نمایندگان حاکم بختیاری به عنوان مالیات اخذ می‌شده است.



تصویر (۳): پلان قلعه و عمارت خلیل‌خان در سرکول (Google Earth)



تصویر (۴): آثار برجای‌مانده از دیوار قلعه خلیل‌خان در منطقه سرکول (نگارندگان، ۱۴۰۰)



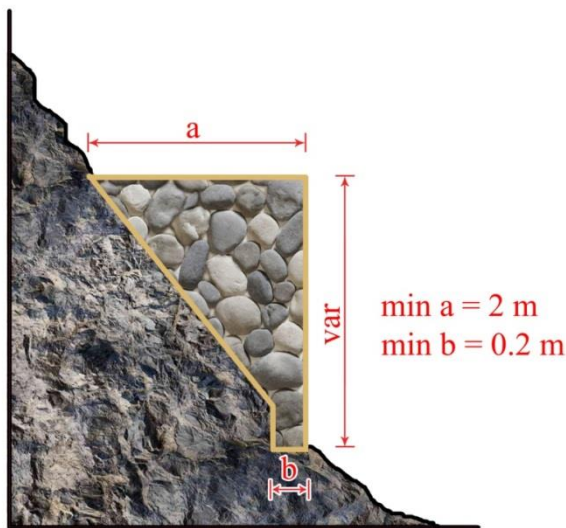
تصویر (۵): نقاشی بازسازی شده قلعه خلیل خان، چشمه و رودخانه مجاور آن در سرکول (سرلک، ۱۴۰۱)



تصویر (۶): تنوره سنگ و ساروج آسیاب آبی (نگارندگان، ۱۴۰۰)

رودخانه سرکول از این محل وارد یک دره باریک کاملاً سنگی با کوه‌های بلند اطراف و با شیب‌های تند می‌شود. همه ایلات بختیاری در منطقه غرب خوزستان در حد فاصل شهرستان‌های سردشت و دزفول از این مسیر به سمت مناطق ییلاقی الیگودرز، درود، ازنا کوچ

می‌کردند. برای سهولت عبور از این دره خطرناک، این راه مالرو با سنگ و ساروج و با زحمت فراوان در کنار رودخانه خروشان ساخته شده است. در برخی نواحی با تراشیدن سنگ شیب‌دار جدار رودخانه یک پله حداقل ۲۰ سانتی‌متری ایجاد کرده‌اند و با سنگ‌های کوچک و ملات ساروج این سنگ‌چینی را از پایین شروع تا به عرض حدود حداقل ۲ متر در بالا ادامه داده‌اند که به راحتی می‌توان افراد و احشام را از آن عبور داد و حتی در عرض ۲ متر علاوه بر افراد و احشام، وسایل نقلیه آن زمان مانند کالسکه هم می‌توانستند تردد کنند و شاید این یکی از راه‌های باستانی میان خوزستان و مرکز ایران بوده است (تصویر ۷). در محل آبراهه‌ها به طرز فنی و زیبایی پل‌هایی با سنگ به صورت هشتی (قوچ بند) اجرا کرده‌اند. در طول این مسیر ۱۶ کیلومتری در همه نواحی حادثه‌خیز و صعب‌العبور بالغ بر چندین کیلومتر جاده سنگ و ساروج اجرا کرده‌اند تا به پل کول رسیده‌اند و با احداث پل بر روی رودخانه بختیاری از این مناطق عبور کرده‌اند و وارد مناطق گرمسیری شده‌اند که از آنجا به بعد به مناطق مختلف شمال خوزستان پراکنده شده‌اند (تصاویر ۸-۱۱).



تصویر (۷): شکل عمودی مقطع عرضی سنگ تراشیده شده و جاده سنگ و ساروج

(نگارندگان، ۱۴۰۱)





تصاویر (۸-۱۱): تصاویری از آثار باقیمانده جاده سنگ و ساروج در مسیر ایلراه سرکول (نگارندگان، ۱۴۰۰)

پایه‌های پل کول به صورت هوشمندانه بر بستر سنگی و با سنگ و ساروج احداث شده است و سقف پل را با احداث طاق‌هایی به صورت سنگی به هم متصل کرده‌اند. در حال حاضر آثاری از طاق‌ها وجود ندارد. لیکن افراد مسن از وجود این طاق‌ها که به آنها «طاق جنگی» می‌گفتند، یاد می‌کنند (تصویر ۱۲). البته هنوز آثاری از پایه‌های چند پل دیگر در بالادست و پایین دست محل پل کول وجود دارد که به نظر می‌رسد در روزگاری دیرین ساخته شده‌اند. این رودخانه که در زمستان بسیار پرآب و وحشی می‌شود، از «چل‌کوه» به سمت سزار به آن «آب کول» یا آب بختیاری می‌گویند. پل کول محل عبور ایل‌های کوچ‌رو لر بختیاری است که در زمان خلیل‌خان، ایلخان بختیاری بر روی آن نصب شده است (گودرزی، ۱۳۷۴: ۵۸). همچنین آثاری از بقایای دو پل سنگ و ساروج دیگر در قسمت بالا و پایین پل کول وجود دارد که اهالی به آنها پل «کول بختیاری» و پل «زنجیری» می‌گویند.



تصویر (۱۲): آثار بجا مانده از پل کول بر روی رودخانه بختیاری (همان)

در ابتدای این جاده باستانی در سرکول و در نزدیکی قلعه خلیل‌خان یک کتیبه بر دل کوه نقش بسته که بر روی آن نوشته شده است:

«به فرموده یوسف‌خان تمام شد. سنه ۱۰۹۱، استاد مقیم»





تصویر (۱۳): سنگ نبشته یوسف خان در سرکول (همان)

په فرموده  
لاله یوسف خان  
استلا مقیم

تصویر (۱۴): متن بازسازی شده سنگ نبشته سرکول (همان)

این سنگ‌نشته در سطحی به ابعاد نامنظم با عرض حدود ۷۰-۵۰ سانتی‌متر و به ارتفاع حدود ۶۵ سانتی‌متر به صورت برجسته حک شده است. جنس سنگ از آهک دولومیتی است که در مقابل عوامل فرسایشی مقاومت خوبی دارد. خط به صورت نستعلیق است (تصاویر ۱۳ و ۱۴). در ادامه مسیر ایل‌راه و جاده سنگ و ساروج به نقطه‌ای برخورد می‌کنیم که آثار پایه‌ها و ستون‌های یک پل سنگ و ساروج بر رودخانه سرکول وجود دارد که اهالی این پل را «پل سرکول» می‌نامند و محلی برای عبور ایلات به آن دست رودخانه سرکول بوده است (تصویر ۱۵). این پل نیز با سنگ و ساروج ساخته شده است. طول این پل حدود ۶۰ متر است و پایه‌های وسط در سمت جریان آب با قوس ساخته شده‌اند. فاصله ستون‌ها از هم حدود ۸ متر و عرض ستون‌ها ۲/۵ و طول آنها حدود ۵ متر است. در ادامه مسیر تا پل کول آثاری از سنگ و ساروج و ایمن‌سازی این ایل‌راه به خصوص در مناطق سنگی و خطرناک وجود دارد که در اصطلاح محلی به آنها «آستان» می‌گویند. در نزدیکی پل کول نیز آثار پایه‌های سنگ و ساروج، یک پل یک دهنه وجود دارد که جهت عبور افراد به اراضی آن دست رودخانه بوده است (تصویر ۱۶). در تراس‌های اراضی ضلع غربی رودخانه سرکول آثار یک روستا وجود دارد که آثار زاغه‌ها در آنجا بعضاً پیداست. این روستای زمستان‌نشین در نقطه امنی قرار گرفته و احتمالاً مکانی بین راهی جهت کنترل این ایل‌راه بوده است.

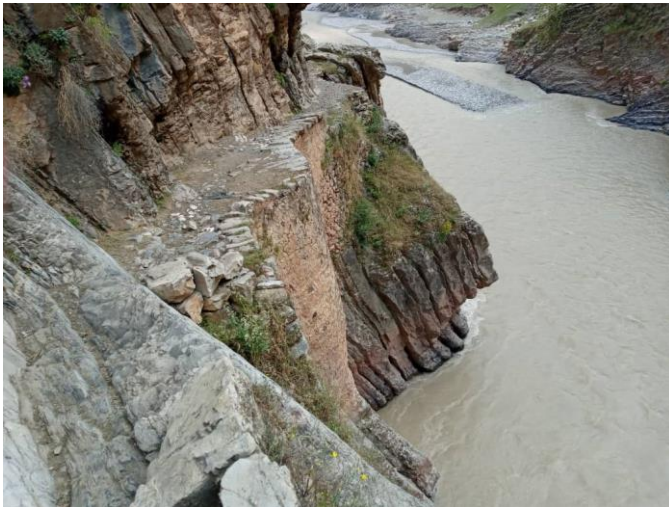


تصویر (۱۵): پل سرکول بر رودخانه سرکول (همان)



تصویر (۱۶): پل یک‌دهنه جهت عبور به روستای نزدیکی پل کول (همان)

در آخرین نقطه خطرناک این ایل راه در نزدیکی پل کول، آثاری از اجرای دیوار حفاظتی سنگ و ساروج به ارتفاع حدود ۹ متر از کف رودخانه سرکول وجود دارد که بررسی‌ها نشان داد برای اتصال این دیوار حفاظتی به دیواره سنگی که با زحمت فراوان ساخته شده است، به ایجاد حفره‌هایی در سنگ دیواره اقدام شده است تا اتصال بین این دیواره حفاظتی با جدار سنگی بهتر انجام شود (تصویر ۱۷).



تصویر (۱۷): دیوار حفاظتی با سنگ و ساروج زیر جاده در نزدیکی پل کول (همان)



در مسیر ایل‌راه و جاده سنگ و ساروج و در نزدیکی‌های پل کول، یک سنگ‌نیشته مشاهده می‌شود که با روش کوبشی بر تخته سنگی در کف و کنار جاده حک شده است و متن دقیق آن قابل خواندن نیست. لیکن تاریخ عدد ۱۳۳ آن مشخص است. تاکنون اطلاعات بیشتری از این سنگ‌نیشته به دست نیامده است (تصویر ۱۸).



تصویر (۱۸): سنگ‌نیشته کنار مسیر جاده سنگ و ساروج سرکول به پل کول (همان)

ایلات بختیاری از دیرباز جهت عبور از پل کول به دلیل طغیان رودخانه در فصول کوچ همواره با سختی‌های زیادی مواجه بودند. این مشکلات در خاطرات تاریخی افراد ایل نقش بسته و در اشعار و ترانه‌های آنها ثبت شده است. ترانه قدیمی و معروف با نام «برزگری» در بین طوایف چهارلنگ این منطقه از گذشتگان بجا مانده و ورد زبان آنهاست که در بیتی از آن مشکلات عبور از پل کول و کوه بلند و بی آب سالند که در جنوب رودخانه بختیاری و در مسیر ایل‌راه قرار گرفته است، بیان می‌شود:

گرمسیری مو تونی شو سیت نیکم خوو      پل کول وُر وُرته سالند بی اوو

در بیت فوق از زبان زن که در بیلاق ساکن شده در دوری از همسرش که جهت برزگری (درو کردن غلات) به گرمسیر رفته می‌گوید: تو به خاطر من به گرمسیر رفتی و شبها از یادت خواب به چشمانم نمی‌رود. چون سختی‌های پل کول و کوه بی‌آب سالند در مسیر توست.

### اشاره‌ای به دوران حکومت یوسف خان بختیاری

در کتاب «تذکره شوشتری» تألیف سید عبدالله بن سید نورالدین بن سید نعمت الهه الحسینی الشوشتری که در سال ۱۱۷۳ هـ.ق. نوشته شده و در کلکله به چاپ رسیده، در فصل هیجدهم از یوسف خان بن خلیل خان بختیاری در سنه ۱۱۰۵ هـ.ق. می‌گوید و می‌نویسد:

«به تقریب آنکه شاهویردی خان بن منوچهر خان فیلی و یوسف خان بن خلیل خان بختیاری با عساکر بجهت تمشیت عربستان وارد شوشتر گردیدند و در حین عبور جمعی کثیر از رؤسای فیلی در کشتی ازدهام نمودند و هر چند کشتیان تضرع نمود که عبور این همه بدفعه واحد ممکن نیست مسموع نداشتند چون به واسطه رودخانه رسیدند کشتی غرق شد و همگی به سیلاب فنا به تلف رسیدند و باین سبب فتح علی خان همت به تجدید پل گماشت» (الحسینی الشوشتری، ۱۳۶۹: ۶۲).

«... و در همان سال [نظم] بختیاری برهم خورده بود و حاکم خود محمدعلی فرزند یوسف خان را گیرانیده بودند، علی مردان خان بن حسین خان بن شاهویرودی خان فیلی به اتفاق بیجن خان مأمور بتمشیت این امور گردیدند و اجتماع ایشان در دزفول دست بداد و کاری از پیش نرفت تا آنکه محمدعلی خان معزول شد و حکومت بختیاری بسعید خان بن حقنظر خان [بختیاری] قرار گرفت» (همان، ۶۷).

«در سال ۱۱۲۷ (یا ۱۰۲۷) ه.ق. جنگ بین بختیاریان و اعراب، بختیاریان شکست خوردند و رستم بیک مقتول شد و اسفندیار بیک ولد او خلیفه شد و در سال بیست و نه [۱۱۲۹ هـ.ق.] نواب مالک رقاب بردن آب کرن بفرح‌آباد اصفهان تصمیم عزم نمود و آقای کمال ناظر سرکاران امر بود و چون بر سر کار حاضر شد یحیی خان بن یوسف خان حاکم بختیاری او را خدمت نمود و حکومت شوشتر به یحیی خان مفوض شد و میرزا محمد حسین به نیابت آمد و مدت او سه ماه بود» (همان، ۶۹).

در خصوص اینکه خلیل‌خان بختیاری در چه سالی و به چه نحوی وفات کرده، در هیچ یک از اسناد و کتب موجود اطلاعات دقیقی تا به حال به دست نیامده، لیکن با توجه به منابع موجود مانند «کتاب انوسی» نوشته بابایی بن لطف کاشانی (۱۰۱۶-۱۰۷۲) ه.ق.، سنگ‌نبشته سرکول، تاریخ جهان‌آرای عباسی و سایر منابع می‌توان گفت که تاریخ وفات او در حد فاصل سال ۱۰۹۱-۱۰۷۷ ه.ق. است. همچنین بر اساس منابع کهن فوق و بر خلاف گزارش سردار اسعد در کتاب «تاریخ بختیاری» و سردار ظفر در کتاب «یادداشت‌ها و خاطرات» می‌توان به جرأت گفت که خلیل‌خان در شورش حدود سال ۱۰۵۳ ه.ق. در خلیل‌آباد کشته نشده، بلکه پس از فرار به گلپایگان و خوانسار و ۱۲ سال اقامت در اصفهان دوباره حاکم بختیاری شده و به خوانسار و گلپایگان آمده و از آنجا سرزمین بختیاری را اداره می‌کرد و تا پایان عمر در همان مناطق سکونت داشته است. شواهد و اسناد نشان می‌دهد که بعد از ایشان فرزندش یوسف‌خان حاکم بختیاری شده لیکن زمان شروع حکومت ایشان نیز فعلاً نامعلوم است. اما کتیبه یوسف‌خان در میانکوه سرکول نشان می‌دهد که در سال ۱۰۹۱ ه.ق. ایشان حاکم بختیاری بوده است. حسن آسترکی در کانال تلگرامی جستارهای بختیاری پژوهی، اخیراً قسمت‌های محدودی از چند کتاب خطی منتشر کرده و طبق آن کتب که نامشان از سوی ایشان هنوز فاش نشده می‌نویسد: «یوسف‌خان فرزند خلیل‌خان حاکم بختیاری به سال ۱۰۹۶ قمری در راستای کاهش ایالت‌های خودمختار توسط شاه سلیمان صفوی اسیر و سال‌ها در زندان قلعه الموت زندانی بود و در برابر چشمانش شاهوری خان والی لرستان کوچک را در آن مکان گردن زدند و بعد از ایشان حق‌نظر خان بختیاری به حکومت دست یافته است».

در کتاب «دستور شهیاران» در شرح وقایع سال ۱۱۰۹ ه.ق آمده:

«حکومت آستارا به عباس‌قلی‌خان خویس امیرحمزه‌خان حاکم سابق آنجا شفقت شده، حکومت بختیاری ثانیاً به یوسف خان [بختیاری] مکرمت گردید و یوسف خان طالعش از ته چاه ذلت به اوج عزت رسید» (نصیری، ۱۳۷۳: ۲۱۸).

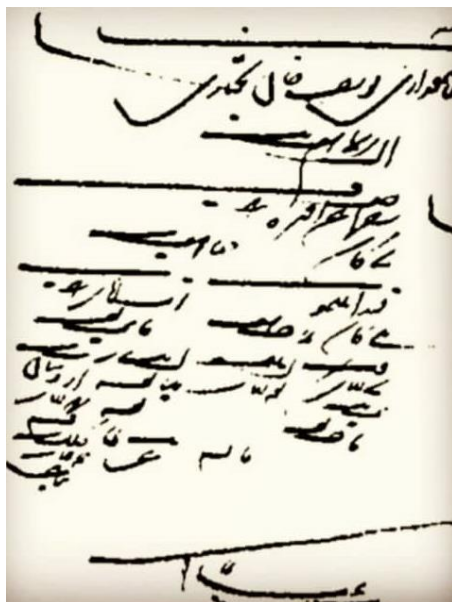
این متن نشان می‌دهد که یوسف‌خان قبلاً دچار مشکلات عدیده و گرفتار زندان بوده و حکومت از ایشان گرفته شده و مجدداً به حکومت دست پیدا کرده است. در ادامه در همین کتاب در شرح وقایع شوشتر و بختیاری و عربستان می‌نویسد:

«شرح این مقال و تفضیل این جمال آنکه چون یوسف خان و کلب علی خان به استمالت او فرمان یافته بودند، یوسف خان یحیی بیک ولد و کلب علی خان مهرعلی بیک خلف خویش را معین ساختند که به اتفاق رسولی متعین از جانب حسین خان وارد حویزه گشته... بنابراین یوسف خان و کلب علی خان بر حسب فرمان قضا جریان وارد کنار آب سویب گردیده اولاً سید فرجاله خود را از آب عبور نموده به زیارت رقم میمون مرحمت مشحون سرافرازی یافت» (همان، ۲۵۴).

و در آخر بیان می‌کند:

«و حکومت بختیاری به قاسم خان و حکومت شوشتر به عیسی خان شفقت و فرمان چنان شد که قاسم خان به میان ایل خود رفته امور ایشان را که در زمان حکومت یوسف خان، فاسد و کاسد گشته بود، به اصلاح آرد و...» (همان، ۲۵۷).

باز سندی به خط سیاق مربوط به یوسف خان بختیاری توسط حسن آسترکی منتشر شده که به سنه ۱۱۰۵ هـ.ق. مربوط است (تصویر ۱۹).



تصویر (۱۹): بخشی از سند سال ۱۱۰۵ هـ.ق. یوسف خان بختیاری

(جستارهای بختیاری پژوهشی، حسن آسترکی)

یکی از کتب و منابع معتبر درباره تاریخ خوزستان، کتاب «رحله المکیه» تألیف سیدعلی بن سید عبدالله بن سید علی خان موسوی مشعشی از ولیان حویزه است. در این کتاب وقایع دوران حکومت مشعشیان از زمان روی کار آمدن سید محمد در سال ۸۵۸ تا سال ۱۱۲۸ هـ ق بیان شده است. در این کتاب که نورالدین محمد بن نعمت الله جزایری ترجمه کرده، در سند بیست و پنجم حکمی به تاریخ رجب المرجب سنه ۱۱۱۲ هـ ق که توسط شاه سلطان حسین صادر شده، در قبول استدعای سید علی خان مبنی بر بخشیدن یوسف و کلب علی حکام سابقه بختیاری و شوشتر و سید فرج اله و سایر مشایخ عرب، که در آن حکم می‌نویسد:

«حکم جهان مطاع شد آنکه سیادت و ایالت و شوکت پناه حشمت و جلالت دستگاه، عالیجاه عمده الولاه العظام نظاماً للسیاده و الایاله و الشوکه و الجلاله و الاقبال سید علی خان والی عربستان به شفقت شاهانه سرافراز گشته بدانند که عرایض که در این وقت در باب ورود خود به الکای حویزه و امنیت آن حدود و استدعاء بخشیدن یوسف و کلب علی حکام سابقه بختیاری و شوشتر و جمعیت مشایخ اعراب نزد آن عالیجاه و فرار فرج الله از حوالی حویزه و رفتن نزد مانع که در یک فرسخی بصره نشسته و سایر شروح به درگاه جهان پناه فرستاده بود به نظر آفتاب اثر رسیده حسب الاستدعای آن عالیجاه ایشان را از حبس مرخص فرموده رقم اشرف عز اصدار یافت که روانه منازل خود گردند...» (مشعشی، ۱۳۹۶: ۲۲۲).

از این سند می‌توان دریافت که یوسف‌خان حاکم بختیاری به دلایلی توسط شاه سلطان حسین به زندان افتاده و در این سال با درخواست سیدعلی‌خان آزاد شده است. حسن آسترکی در کانال تلگرامی جستارهای بختیاری پژوهی خود بدون ذکر منبع درباره یوسف‌خان بختیاری فرزند خلیل‌خان می‌نویسد:

«[ایشان] در راستای کاهش ایالت‌های خودمختار توسط شاه سلمان صفوی اسیر و سال‌ها در زندان [قلعه الموت قزمین] بود و در برابر چشمانش شاهوردی خان والی لرستان کوچک را در این مکان گردن زدند. در سال ۱۱۰۳ هـ ق. یوسف‌خان با وضع اسفناکی از قلعه الموت آزاد شد و به اصفهان رفت و در آنجا سادات مشعشی او را حمایت کردند و مبالغی به همراه آذوقه فراوان و اسب در اختیارش نهادند تا قدرت گرفت و فرزندانش که در دوران اسارتش به دورق پناه آورده بودند بازگردند. او مجدد در سال ۱۱۰۹ هـ ق. به حکومت رسید، اما یک سال



بعد و این بار توسط شاه سلطان حسین صفوی از حکومت خلع و مجدداً در قلعه الموت زندانی شد».

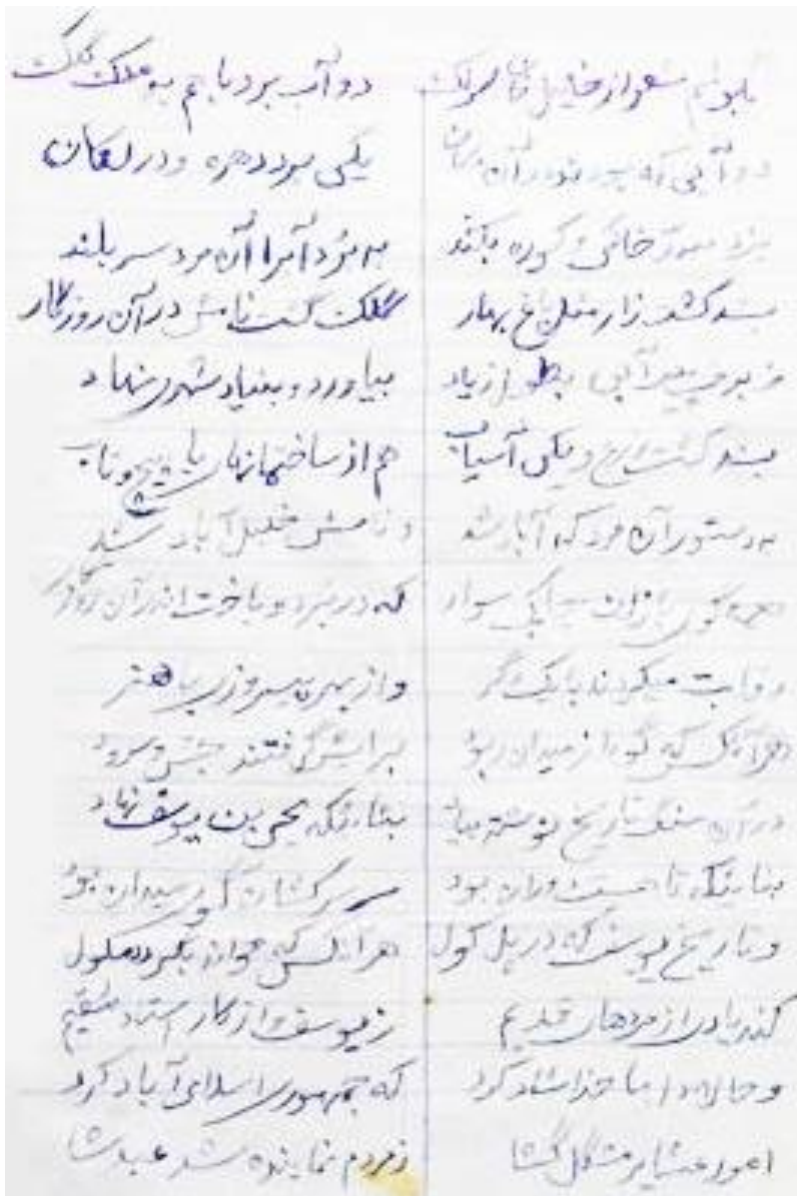
از سند نوشته‌های فوق می‌توان دریافت که یوسف‌خان بختیاری روابط خوب و حسنه‌ای با حاکمان خاندان مشعشی عربستان ایران داشته و دو مرتبه، یک بار در زمان شاه سلیمان و یک بار در زمان شاه سلطان حسین به زندان افتاده است.

در کتاب رحله المکیه در شرح حوادث بعد از وفات سید فرج‌اله خان نیز به حکومت محمدعلی خان بن یوسف خان حاکم بختیاری اشاره می‌کند که در اثر شورش بختیاری از این مقام عزل می‌شود و سعید خان بن حق نظر خان حاکم بختیاری می‌شود و این نشان می‌دهد که با وجود عزل مجدد یوسف‌خان از حاکمیت بختیاری یکی از فرزندان ایشان به نام محمدعلی خان حاکم بختیاری می‌شود (همان، ۱۹۴).

باز در سند سی و سوم این کتاب به سال ۱۱۱۲ هـ.ق.، شاه سلیمان خطاب به سید علی خان والی عربستان از رفتن حاکم بختیاری [احتمالاً یوسف خان] با قشون به ولایت خود و نظم و نسق ولایت مزبور که میان جماعتی از بختیاری قبلاً شورش واقع شده، تأکید می‌کند (همان، ۲۳۰).

### شعر ملا شنبه هیودی در خصوص سنگ‌نبشته یوسف خان در سرکول

زنده‌یاد ملاشنبه هیودی از طایفه فولادوند، یکی از شاعران محلی به نام بختیاری و متولد خلیل‌آباد بربرو الیگودرز است. ایشان شخص باسوادی بوده و از ۱۴ سالگی شعر می‌سروده و مجموعه‌ای از اشعار ایشان بجا مانده که به چاپ رسیده است.



تصویر (۲۰): شعر بازنویسی شده از ملاشبه هیودی، (هیودی، ۱۳۲۰)

قطعه شعری توسط ایشان در شرح اقدامات خلیل‌خان و فرزندان حاکمش سروده شده (هیودی، ۱۳۲۰) و بعدها ابیاتی به آن اضافه شده است. یک نسخه از شعر ایشان در سال

۱۳۷۸ شمسی توسط آقای عبدشاه بنیادی هیودی (۷۹ ساله)، خواهرزاده ایشان از زبان ایشان مکتوب گردیده که در آن اقدامات خلیل خان بیان شده است (تصویر ۲۰). در بخش پایانی شعر از سنگ نبشته میدان چوگان خلیل آباد در عهد یحیی خان و سنگ نبشته سرکول در عهد یوسف خان صحبت شده است:

همه گوی بازان چابک سوار	رقابت بکردند با یک دگر
هرآنکس که گو را ز میدان ربود	در آن سنگ تاریخ نوشته بیاد
بنائیکه تا هفت دوران بود	و تاریخ یوسف که در پل کول
کند یادی از مردمان قدیم	که در بُرد و باخت اندر آن روزگار
و از بهر پیروزی با هنر	برایش گرفتند جشن و سرود
بنائیکه یحیی بن یوسف نهاد	سر سرکشان گوی میدان بود
هرآنکس که خواند بگردد ملول	ز یوسف و از کار استاد مقیم

### پایان سخن

سنگ نبشته سرکول یکی از کتیبه‌های یادمانی است که بازگوکننده تاریخ بخشی از حکمرانی سرزمین ایل بختیاری در دوره صفوی است. این سنگ نبشته به همراه آثار قلعه، جاده و پل‌های ساخته شده در مسیر آن، یادآور عصر حکومتی خلیل خان و یوسف خان، دو تن از حاکمان الوار بختیاری در دوران شاه عباس اول، شاه صفی، شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی است. این سنگ نبشته و ابنه‌های ایل راه سرکول به پل کول به همراه سنگ نبشته میل دروازه میدان چوگان و عمارت خلیل آباد بربرود الیگودرز، روشن کننده حدود یک قرن از ناگفته‌های حکمرانان سرزمین بختیاری سه تن از حاکمان به نام‌های خلیل خان، یوسف خان و یحیی خان است که از دید اکثر پژوهشگران معاصر پنهان مانده و باعث شده گاه برخی پژوهشگران به اشتباه افراد دیگری را به عنوان حاکمان بختیاری در آن دوران معرفی کنند. بدین ترتیب از این جهت اهمیت زیادی در روایتگری دقیق رویدادهای محلی تاریخ ایل بختیاری دارد. از آنجایی که خلیل آباد بربرود به عنوان مقر اولیه و اصلی این سلسله خاندان حاکم از دوران خلیل خان، یوسف خان، یحیی خان، محمد حسین خان و احمد خان بوده و همواره در طول تاریخ حوادث بزرگی در آنجا شکل گرفته و آخرین مورد آن ادعای پادشاهی علیمراد خان قائد ممیوند در عهد نادرشاه

است، این سنگ‌نبشته که بیش از سه و نیم قرن قدمت دارد، می‌تواند فصل تازه‌ای از مطالعات تاریخی ایل بختیاری را بازگو کند و نگارندگان قصد دارند با ارائه مستندات علمی و مکاتبات لازم، این سنگ‌نبشته و آثار وابسته آن را در آثار ملی ایران ثبت کنند.

## منابع

- آسترکی. حسن (۱۴۰۰). کانال تلگرامی جستارهای بختیاری پژوهی.
- الحسینی الشوشتری. سید عبدالله بن نورالدین بن سید نعمت‌الله (۱۳۸۶). تذکره شوشتر. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری آداب.
- ترکمان. اسکندربیک (۱۳۹۰). تاریخ عالم‌آرای عباسی. جلد دوم. به کوشش مزید مرادی. تهران: نگار.
- ..... (۱۳۹۰). تاریخ عالم‌آرای عباسی. جلد اول. به کوشش فرید مرادی. تهران: نگار.
- حسن پور. عطاء، سرلک. حیات‌اله (۱۴۰۰). سنگ‌نوشته میدان چوگان خلیل‌آباد، سندی از شاه بازی عصر صفوی. نامه انسان‌شناسی. ۱۸(۳۲): ۸۳-۱۰۶.
- ..... میرزایی. رضا (۱۳۹۸). گنجینه آب لرستان، تهران: هم‌پا.
- حسین منشی. محمد میرک بن مسعود (۱۳۸۵). ریاض الفردوسی خانی. به کوشش ایرج افشار و فرشته صرافان. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- حسینقلی بختیاری. خسرو سردارظفر (۱۳۶۲). یادداشت‌ها و خاطرات سردارظفر بختیاری. تهران: فرهنگسرا.
- دانش یزدی. فاطمه (۱۳۸۷). کتیبه‌های اسلامی شهر یزد. یزد: سبجان نور.
- زلفی. علی (۱۳۹۸). سنگ‌نوشته بنه‌وار: سندی از سران بختیاری در دوره صفویه. آفرین‌نامه. مقاله‌های باستان‌شناسی در نکوداشت استاد مهدی رهبر. به کوشش یوسف مرادی. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- سرداراسعد. علیقلی‌خان (۱۳۷۶). تاریخ بختیاری: خلاصه‌الاعصار فی تاریخ‌البختیار. به اهتمام جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
- سرلک. حیات‌اله (۱۴۰۲). ضرورت بازسازی پل شیرک در مسیر ایل‌راه عشایری مابین شهرستان‌های الیگودرز و لالی. همایش منطقه‌ای توسعه پایدار شهرستان الیگودرز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الیگودرز، اردیبهشت ۱۴۰۲.

- سرلک. مهدی (۱۴۰۱). صفحه اینستاگرام به آدرس [nutaro\\_art](#).  
صفی‌نژاد. جواد (۱۳۹۷). *لرهای ایران، لر بزرگ لر کوچک*. تهران: سفیر اردهال.  
عکاشه. اسکندرخان (ضغیم الدوله بختیاری) (۱۳۶۵). *تاریخ ایل بختیاری*. تهران: فرهنگسرای تهران.  
فرامرزی. مانا، نامی. حسن، مسجدی خاک. پرستو (۱۳۹۹). *بررسی کتیبه‌های حکومتی شمال شرق ایران در دوره صفوی با تأکید بر موضوعات اجتماعی و اقتصادی (مطالعه موردی نیشابور، سبزوار، تربت جام و مشهد)*. مجله پژوهشنامه خراسان بزرگ. ۴۱.  
فضائلی. حبیب‌اله (۱۳۸۲). *تعلیم خط: نشر سروش*.  
قاسمی اندرود. پرستو (۱۳۸۷). *سنگ‌نوشته یادمانی سفیر اکبرشاه گورکانی هند به سال ۱۰۱۲ هجری قمری در گنبد سلطانیه*. پیام باستان‌شناسی. ۵(۱۰).  
کاردار طهران. دلارام (۱۳۹۵). *کتیبه‌شناسی: کتیبه‌های عربی در ایران*. مجله چیدمان کتیبه‌شناسی. ۵(۱۵).  
گودرزی. حسین (۱۳۷۴). *سیمای عشایر شرق لرستان*. مؤسسه ترسیم.  
لطف کاشانی. بابایی (۱۴۰۰). *کتاب انوسی*. برگردان، تصحیح و پژوهش امیر علی فلاحیان. لس آنجلس: شرکت کتاب.  
مخلصی. محمد علی (۱۳۸۴). *پژوهشی در کتیبه‌های دوران اسلامی تخت جمشید (کاخ داریوش)*. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.  
مستوفی. حمدالله (۱۳۳۹). *تاریخ گزیده*، به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.  
مشعشعی. سیدعلی بن عبدالله (۱۳۹۶). *رحله المکیه*. ترجمه و اضافات نورالدین محمد بن نعمت‌اله جزایری. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.  
نصیری. محمدابراهیم بن زین‌العابدین (۱۳۷۳). *دستور شهریاران*. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.  
وحید قزوینی. میرزاحمدطاهر (۱۳۳۹). *تاریخ جهان‌آرای عباسی*. به تصحیح سیدسعید میرمحمد صادق. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.  
هیودی. ملاشنبه (۱۳۲۰). *مجموعه اشعار ملاشنبه هیودی*. شاعر بختیاری. منتشر نشده.